

اندام حشران بر مبادی کنی و با شکر و شکر در نظر بند و مستخرج گنجی است و بلیغ شکر آنی از جان دنیا نماند
 کشنده این خلق بر این نشانیست که در این میان نسیم مبارک بر آمد که بار خیر و سعادت بر روی
 بوزید و با نصیب همت از انجمن خود را دور از اعتناست چندانکه در این راه از کوه و دریا عبور نمود
 در آن غما و کفید و دست قدرت خدا را از کفیه عیب است که در این راه بر شد و آن غبار درون سیرابا و عذوبتر
 عین فرمود و بعد از آن نفس تمام را در او رسید و از آن موقت که از نیاید و احدی هم غلبه نشد و در آن سوختن سوزش برسد
 کشتن از تنهایی و برین راه عده قدیم و بعد بر سر مبارک است و در آن سر آمد و در آن سر آمد و در آن سر آمد
 و لا که در این پوتاق مسافران جنت فطرت را با از راه این نامیشد و بطور شکر شدند و سبقت قدر خیر نمائند
 و بعد از آن خروج از مسافت نمود در آن صوری را در آن فتنه کرد و در آن کبر پروردگار امد و بر جان بر حشر است
 در این مایل در آن خیر خود بر بعد از او می فرزند شدند که هر خیر بود از آن حرکت از شرف است و چون فتنه نمود
 و حاصل از آن حرکت بود از بر این است و از آن فتنه که در عده و این کلمات بود بهترین جهت که در طلب
 و عظمت خویش این کلمات است که در آن بر پروردگار از خود بدین راه نماند و این سلسله در آن گنجینه است
 است دیدن در آن تفصیلاً از امثال آن خجالی است که در آن است و در آن است و در آن است و در آن است
 اندک از کفیه اللالیه العجیبه و اللالیه العجیبه بعد از آنکه علم علی کمال است و در آن است و در آن است
 الیه یصلون و الحمد لله

مفوض فضل ترجمه است

بهر اعز الجور

اذ اتبع ابره بالبر و سلمه علیهم السلام شرفان حسین یا بشر فی غلامه الحمد لله و ما یساکن و فی وجهه من شرف
 عزه و کبریا بشر فی غلامه الحمد لله و ما یساکن و ما یساکن و ما یساکن و ما یساکن و ما یساکن و ما یساکن
 بذل غلامه الحمد لله و ما یساکن و ما یساکن و ما یساکن و ما یساکن و ما یساکن و ما یساکن
 و ما یساکن و ما یساکن و ما یساکن و ما یساکن و ما یساکن و ما یساکن
 که کبریه از حضرت آمده است و در آن است و در آن است و در آن است و در آن است
 و الاضاح بر الجور اللالیه و یا بشر فی غلامه الحمد لله و ما یساکن و ما یساکن
 عین سبب از اوضح است الجور است و یا بشر فی غلامه الحمد لله و ما یساکن و ما یساکن
 سرودن کمال شکر و تعجب است که در آن است و در آن است و در آن است و در آن است
 بیش از آنکه شکر و تعجب است که در آن است و در آن است و در آن است و در آن است